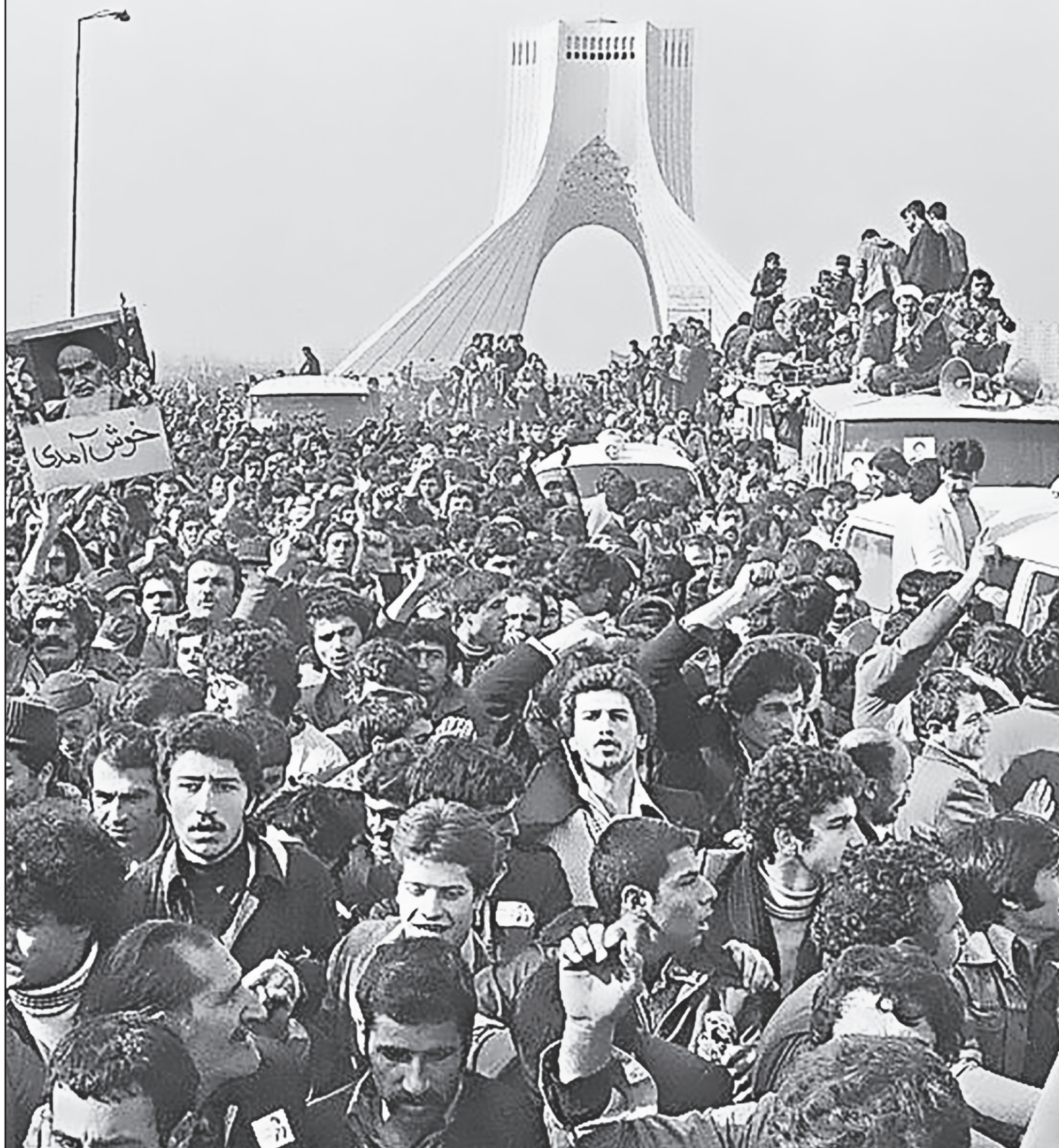


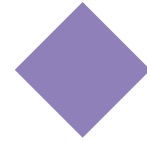


تاریخ انقلاب

به مناسبت ۲۵ دی روز ملی تاریخ نگاری انقلاب اسلامی

دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲ - سال نود و هشتم - شماره ۲۸۵۸۴





حجت الاسلام پورمحمدی:

تاریخ انقلاب بدون جابجایی، حذف و بزرگنمایی روایت شود



حضرت امام خمینی (ره) همیشه بر روایت درست تاریخ انقلاب اسلامی تأکید داشتند تا مبادا از دوران پهلوی، تصویر انوشیروان عادل را بسازند. یکی از مهم‌ترین دستورات ایشان در ماه‌های آخر حیات پربرکتشان نامه به آقای سید حمید روحانی در ۲۵ دی‌ماه ۱۳۶۷ و واگذاری مأموریت تدوین تاریخ انقلاب اسلامی بود تا به فرموده ایشان، تاریخ آنگونه که هست و اتفاق افتاده ثبت شود و هدف قیام مردم مشخص شود و نشان داده شود که چگونه مردم علیه ظلم و بی‌داد، تاجر و واپسگرایی قیام کردند. مقام معظم رهبری نیز همواره بر تاریخ‌نگاری درست و عبرت از تاریخ تأکید داشته‌اند.

تاکنون در مرکز اسناد انقلاب اسلامی با ۲۸۰۰ نفر از چهره‌های تاریخی و انقلابی شامل رؤسای جمهوری، مقامات و فرماندهان و رزمندگان دفاع مقدس در قالب تاریخ شفاهی، مصاحبه و حدود ۵۰۰ عنوان کتاب سندی و پژوهشی منتشر شده است. در زمینه تاریخ دفاع مقدس نیز با همکاری ارتش جمهوری اسلامی، ۱۰۵ جلد کتاب ۱۵۰۰ صفحه‌ای تدوین شده که تاکنون ۶۰ جلد چاپ شده است. به مناسبت یکصد سالگی تأسیس حوزه علمیه قم نیز ۲۱ کتاب توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی تدوین و منتشر شد. روزشمار انقلاب اسلامی نیز با موضوعات مختلف منتشر شده است. تمامی روزنامه‌های چاپ‌شده ایران از سال ۱۳۷۵ تا امروز هم گردآوری شده است که در تلاش هستیم با دیجیتالی‌سازی آن‌ها را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهیم. در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، جابجایی، حذف و بزرگنمایی در روایت تاریخ صحیح نیست و اگر تاریخ را درست و خوب بازگو کنیم مورد اقبال نسل جدید قرار می‌گیرد.

به منظور بهره‌مندی پژوهشگران، تمامی اسناد قبل از انقلاب اسلامی از طبقه‌بندی محرمانه خارج شده و قابل انتشار است و تلاش می‌شود که اسناد دهه اول انقلاب هم از طبقه‌بندی خارج شود و در پی ایجاد یک دانشنامه بزرگ باز درباره تاریخ ایران از دوره باستان تا انقلاب اسلامی هستیم.

ویژه‌نامه تاریخ انقلاب

دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲
سال نود و هشتم
شماره ۲۸۵۸۴
اطلاعات
۲

دچار حجاب تاریخی شده ایم!

گام بعدی، پرسش از مدل و الگوی تحقق این سیاست‌ها است. در سه‌گانه مردم، نخبگان و حکمرانان هر عنصر چه نقشی در فهم، تحلیل و بیان تاریخ دارد؟ آیا مردم تنها مصرف‌کنندگان منفعل قرائت‌های تاریخی هستند؟ آیا فقط حکمرانان ساکنان تاریخ پژوهشی هستند یا اینکه هر عنصری از این چرخه حق دارد تاریخ را فهم و تحلیل کند و با هدف بازسازی امروز، روایت خود را برای دیگری اعم از اینکه آن دیگری حاکم است یا نخبه یا مردم، بیان کند تا در اثر این مشارکت همگانی و بازاندیشانه، غرض تاریخ به صورت عینی تحقق یابد. اما در زیرین‌ترین سطح، ما با مسأله امکانات هر عضو از این چرخه برای تحقق سیاست‌ها روبرو هستیم. این سطح چالشی‌ترین فضای کنشگری امروز است و در این فضا پرسش‌های ذیل قابل طرح است:

- ۱- نظام اولویت‌های تاریخ پژوهشی چیست؟
- ۲- مخاطبان تاریخ چه کسانی هستند؟ به طور مثال در نهادهای حاکمیتی مؤثر در تاریخ پژوهشی جامعه هدف کیست؟ آیا فقط خودمان هستیم؟ آیا تاریخ را برای خودمان نقل می‌کنیم؟ یا اینکه تمامی جامعه از کودک و جوان تا کهنسال، از کارگر تا استاد دانشگاه، از روستایی تا شهرنشین، از میلیون‌ها ایرانی خارج از کشور تا عموم انسان‌ها در جامعه جهانی و... مخاطبان ما هستند.
- ۳- ابزارهای ما برای کنشگری متناسب با هر جامعه هدف چیست؟ آیا چاپ کتاب‌های قطور ناظر بر جزئیات تاریخی، ابزار درستی برای بیان تاریخ برای جوانان این سرزمین است که به گفته رهبری مخاطبان اصلی تاریخ هستند؟ یا اینکه در کنار این کتاب‌ها باید همکاری نهادها و افراد فعال در عرصه رمان، داستان، سینما، مستند و به طور کلی اهالی فرهنگ و رسانه را در زمینه بیان تاریخ جلب کرد و خوراک تاریخی را در اختیار آنها گذاشت. حاصل سخن اینکه اگر رویکرد تاریخ برای امروز را اختیار کنیم، باید با پذیرش اصل تدریج در امور فرهنگی و پرهیز از شتاب‌زدگی وحشت‌آور، در جهت تحولات بنیادین در حوزه‌های تاریخ‌نگاری و روایت تاریخ گام برداریم و تلاش کنیم اندک‌اندک و پیوسته، سبک نوینی را بی‌پروا کنیم که سیاست‌ها و مدل‌های خاص خود را دارد؛ سبکی که واقعیت امروز ما را بر اساس بازخوانی گذشته، می‌سازد.



پیام طبیبی

از زمان ارسطو، حکما علوم را در دو دسته قرار می‌دادند؛ بخشی دانش‌های نظری هستند که غرض در آنها شناخت واقعیت است و دسته دیگر دانش‌هایی که هدف در آنها تدبیر کنش انسانی است. دانش تاریخ اگر چه به جهت تلقی جزئی‌بودگی همواره مورد بی‌مهری حکما قرار گرفته است اما جملگی حکیمان آن را در دسته علوم معطوف به کنش قرار می‌دادند. از همین رو می‌توان گفت تاریخ، دانشی آلی و ابزاری است تا انسان در زیست اجتماعی خود با فهم سنت‌ها، تجربیات و الگوهای گذشته به تدبیر امروز بپردازد. البته این نگرش به تاریخ، هم‌اورد و رقیبی دارد که تاریخ را برای تاریخ می‌خواهد و نگاه استقلالی و غایی به تاریخ دارد؛ به گونه‌ای که نفس گذشته اصالت می‌یابد. این رویکرد ثمره همزیستی دائمی و مستمر تاریخ‌پژوهان با واقعیت‌های گذشته است. به تعبیری غور در احوالات گذشتگان، تاریخ‌نگاران را از دیدن امروز بازمی‌دارد. باید توجه داشت که این تفاوت رویکردی در نگاه به تاریخ، فقط در سطح نظری منحصر نمی‌شود بلکه در سطوح سیاست‌گذاری، طراحی مدل و حتی مدیریت صحنه سر ریز خواهد شد. چه اینکه وقتی ما غرض از تاریخ را بازخوانی گذشته به منظور بازسازی نظامات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... توسط مردم، نخبگان و حاکمان دانستیم، دو سیاست کلان حاصل خواهد شد؛ نخست فراتر رفتن از تاریخ نقلی و محور قرار دادن تاریخ تحلیلی به‌ویژه تاریخ سنن اجتماعی، تاریخ اندیشه و تاریخ جریانات و دوم مسأله بیان و تبیین تاریخ برای اصناف و اقشار مردم و حکمرانان در سطوح ملی و تمدنی.



قاسم تبریزی: تاریخ

ابزار تسویه حساب سیاسی نیست

◆ قرار است پیرامون روایت در تاریخ نگاری انقلاب اسلامی با شما گفت و گو کنیم. به عنوان سؤال اول که قبلاً هم برای شما ارسال شده است؛ در تاریخ نگاری انقلاب، مرجعیت روایت تاریخ انقلاب از آن کیست و شما این مرجعیت را چطور تحلیل می کنید و آینده را چطور می بینید؟

اگر به قرآن و سیره ائمه به ویژه سخنان حضرت امیر مراجعه کنیم، به چهار رسالت برای تاریخ نگار می رسیم. یک رسالت تاریخ و مورخ، ارائه الگو است از انسان های متعالی که می توانند سرمشق باشند.

دومین درسی که باز از قرآن می توان گرفت بیان سرنوشت ستمکاران، منافقان، مشرکان، ملحدان، خیانتکاران و جنایتکاران از فرعون، شداد، نمرود تا ابولهب، ابوسفیان و معاویه تا کارتر، رضاخان، محمدرضا و صدام است. این ها عبرت های تاریخ هستند که مثل این ها نباید بود.

سومین درسی که قرآن ارائه می دهد که باز مورخ باید به آن بپردازد، علل صعود و سقوط اقوام، ملل و جریانات است. قوم عاد چرا سقوط کرد؟ قوم ثمود چرا سقوط کرد؟ قوم نوح چه خصوصیتی داشت؟ قوم بنی اسرائیل چه خصوصیتی داشت و چگونه زیر ستم و لگد کوب فرعون زانانشان به یک نحوی و مردان و فرزندان شان به نحو دیگری از بین می روند، اما خداوند این قوم را توسط پیامبر نجات داد، حالا چرا دوباره به جاهلیت و فرعونیت برگشتند؟ یعنی بعضی اقوام چندوجهی هستند. علل سقوط قاجار چه بود؟ پهلوی چه بود؟ استالین و مارکسیسم چه بود؟ علل سقوط سازمان منافقین چه بود؟ حزب توده چه بود؟ در همین ردیف می آید و به امروزمان می رسد. سازمان منافقین چرا تجسم خیانت و جنایت شد؟ از اول می خواستند به همین راه بروند؟ حزب توده عدالت خواه چرا جاسوس شد؟

درس چهارم این است که در جهان دو راه بیشتر وجود ندارد و انسان ها یا مسیر حق را می روند یا در مسیر باطل هستند. راه وسطی وجود ندارد. وسط، سرگردانی و بحران و سرگشتگی و نابسامانی است.

حال ما با این نگاه به سراغ تاریخ می آییم؛ نگاهی که می خواهد تاریخ در زندگی علمی و عملی جامعه مؤثر باشد. هیچ کدام هم افسانه و دروغ نیست. مورخ اسلامی به دلیل اسلامیت نمی تواند دروغ بگوید؛ یعنی بنده به رضاخان نمی توانم دروغ ببندم. رضاخان تجسم ظلم، ستم و جنایت است؛ ولی آیا من حق دارم به او دروغ ببندم؟ حزب توده تجسم الحاد و خیانت و نفاق است؛ ولی بنده باید به آن مقدار که سند دارم و مستند است حرف بزنم. مورخ اسلامی وقتی که تاریخ می گوید گویی دارد درس اخلاق و دین می دهد. مورخ اسلامی نمی تواند و نباید دروغ بگوید که ان شاء الله نمی گوید و تاریخ ابزار تسویه حساب سیاسی نیست، ابزار درگیری نیست؛ بلکه وسیله سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی فرد و جامعه است.

◆ شما فرمودید که در تاریخ نگاری اسلامی نمی توانیم دروغ بگوییم و از رضاخان مثال زدید و

گفتید که او یک آدم جنایتکار و ظالم بوده؛ اما دروغ نمی توان به او بست. حال در تاریخ نگاری میان دروغ نگفتن و عدم بیان تمامی حقایق تفاوت وجود دارد. آیا اینجا تکلیف داریم که فقط دروغ نگوئیم؟ یا نه تکلیف داریم که حتی اگر رضاخان در طول تاریخ دستاوردهای مثبتی هم داشته است، آن ها را هم در تاریخ نگاری انقلاب بیان کنیم؟

اینجا دو موضوع وجود دارد: یکی اینکه ورود در احوال شخصی افراد ممنوع است. دوم؛ عدالت، انصاف و سجایای دینی حکم می کند که ما مطلب را درست ترسیم کنیم. همین رضاخان که مستبد وابسته به استعمار و شخصیتی ضد اسلام و ضد منافع ملی است، جاده سازی کرده، پل ساخته، ارتش نوین و راه آهن درست کرده و دانشگاه تهران را تأسیس کرده است. اینها را مطرح می کنیم؛ اما با دقت و عدالت می پرسیم که این ارتش نوین که او درست کرد کار کردش چه بود؟ بله ما به ارتش نوین و اسلحه نیاز داشتیم و سلاح ها را ولو از پول مالیات و فشار بر مردم می خریدیم، اما این ارتش چه کرد؟ قتل عام مردم در مسجد گوهرشاد و قتل عام عشایر. برای چه قتل عام کرد؟ عشایر که مدافع مرزهای ما هستند. چرا این ارتش در اشغال ایران حتی یک ربیع مقاومت نکرد؟ البته اصل کار، درست و قابل دفاع است. اتفاقاً شهید مدرس در یک جا از ارتش هم دفاع می کند. همچنین راه آهن لازم داشتیم، اما آیا منافع اقتصادی ما شرق به غرب بود یا جنوب به شمال؟ بعضی از این کارها جای نقد دارد؛ ولی شناسنامه را که او راه اندازی کرد، کار خوب مورد نیاز جامعه بود که ما به این هیچ اشکالی نمی توانیم بگیریم.

◆ آیا ما در تاریخ نگاری انقلاب توانسته ایم جریان سازی کنیم؟

به سه دلیل نه! یک دلیل این که دانشگاه های ما در مسیر منافع ملی، اقتدار ملی، وحدت ملی و انقلاب اسلامی نیستند. هنوز در مغول و سلطان محمود مانده اند. اصلاً حاضر نیستند وارد بشوند. ما کتاب های اسنادی برای دانشگاه فرستادیم ولی برگرداند!

حتی حقوقدانان ما هم وارد بحث کاپیتولاسیون نمی شوند. مسأله اول، دانشگاه های ماست. مسأله دوم، کوتاهی کردن حوزه های علمیه است که اصلاً ورود نکرده اند. یعنی از حوزه علمیه تا ائمه جمعه و جماعت از دروس رسمی تاریخ، فقط در حد شعار می گویند در حالی که باید تحلیلگر باشند تا اگر کسی پرسید کاپیتولاسیون چیست؟ بتوانند حداقل نیم ساعت دربار آن صحبت کنند، اما دو دقیقه می گویند کاپیتولاسیون را آمریکایی ها آوردند و مرگ بر این ها باشد که فلان کردند. این خوب است چون جامعه حداقل یک لغنی برای آمریکایی ها می فرستد. یا اینکه انگلیس ها در جنگ جهانی اول و دوم جنایت کردند و قحطی به وجود آوردند را واعظ و امام جماعت و امام جمعه و روحانی باید بتوانند تبیین کنند. شهید مدرس می گوید که علم تاریخ -مضمونش را می گوئیم- و علم سیاست، لازم و ملزوم یکدیگرند. اگر مورخ، سیاست نداند نمی تواند تاریخ مطرح کند و اگر سیاست مدار تاریخ نداند، خطاها و اشتباهات را تکرار

می کند. ما الان گرفتار هر دو هستیم. یعنی آن بنده خدا یادش رفته انگلستان چه جنایتی سیصد سال اینجا کرده است. یک لیخند می بیند و می رود این ها را می آورد در شهرهای ایران می گرداند.

◆ به عنوان سؤال آخر، نقاط مغفول روایت تاریخ انقلاب از نظر شما چیست؟ یعنی چه موقف هایی هستند که روایت نشده اند؟

ما در حقیقت آمدمیم تا تاریخ ایران باستان، تاریخ دوران اسلامی و تاریخ معاصر جهان اسلام را بنویسیم. این برای آن اهداف بلندمدت است. از تاریخ داخلی، بسیاری مسائل چه در دوره مشروطه و قاجار چه دوران رضاخان و محمدرضا و بعد از جمهوری اسلامی، پرداخت نشده اند. بسیاری از رجال گمنام ماندند، چه رجال خائن چه رجال خادم.

بیش از هزار نفر همراه شیخ فضل الله نوری به تحصن رفتند؛ هشت مجتهد، هفتاد و چند امام جماعت، سیصد تا طلبه. چرا اسم چهار، پنج نفر فقط برده می شود؟ مدافع مشروطه مشروعه در سراسر کشور داریم از جمله آیت الله خمایی، میرزا علی اکبر اردبیلی، میرزا حسن مجتهد تبریزی؛ چرا به آن ها نمی پردازیم؟

یا در دوران رضاخان چقدر از علماء ما شهید شدند! چقدر تبعید شدند! در این دوره، بیست سال جلوی فلسفه و معارف اسلامی گرفته شد. اگر چند سال مشروطه را هم اضافه کنیم، می شود سی و پنج سال. دو نسل بی سواد بی دین آمدند و رفتند. وقتی که ساواک آیت الله طالقانی را زندانی کرد، یعنی یک عده که در مسجد هدایت از تفسیر او استفاده می کردند محروم شدند.

همچنین از رجال پهلوی، فقط حدود دویست یا سیصد نفر را مطرح می کنیم، در حالی که نزدیک به دوهزار نفر تأثیر گذارند. اسنادشان هم هست. صد و شصت و هفت هزار سند از دوره رضاخان داریم که نیازمندترین است؛ البته هفت جلدش در تاریخ معاصر آمده است.

در واقع تاریخ ایران را منتهای شناخت استعمار نمی شود مطرح کرد؛ از ابتدای قاجار تا سقوط قاجار، تا دوره پهلوی اول، سقوط رضاخان و دوره پهلوی دوم.

حرکت استعمار در بیرون مرزها در این چهل سال هم مطالب زیادی دارد. خیلی کار کردیم اما موارد بسیاری هم مانده اند که کار نکردیم؛ مثلاً در مورد خیلی از شخصیت ها چه مثبت چه منفی نوشته ایم و بعضی ها را نقد نکرده ایم. احزاب و گروه ها، مطبوعات، مراکز هنری -سینما و تئاتر- را هم اضافه کنید این ها خیلی هستند. البته این به معنای این نیست که ما کوتاهی کردیم؛ به این معناست که ما یک بار سیصد ساله را به دوش می کشیم و می رویم. در جنگ نظامی، سه و نیم میلیون جمعیت در جبهه و پشت جبهه حرکت کردند. در جنگ فرهنگی چطور؟ دانشگاه و حوزه باید به میدان بیایند. ما الان نهضت امام جمعه و چند هزار واعظ داریم. مسائل اعتقادی جای خود، ولی شهید مدنی را چه کسی باید مطرح کند؟ صحبت درباره سید عبدالحسین لاری، آخوند خراسانی و شیخ فضل الله کار حوزه است.

ویژه نامه
تاریخ انقلاب

دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲

سال نود و هشتم

شماره ۲۸۵۸۴

اطلاعات

۳

روایت‌های متضاد؛ تهدید یا فرصت؟

بخواهید از مردم سخن بگویید انگار که دارید کفر می‌گویید؛ یعنی از نقش مردم، جایگاه مردم، اهمیت مردم و ضرورت توجه به آن‌ها، نه فقط در ایران بلکه در همه جای جهان. رحمانیان گفت: پیام امام خمینی در دی ماه ۱۳۶۷ درباره تدوین تاریخ انقلاب اسلامی در این مراکز تا چه حد تحقق پیدا کرده و جامعه عمل پوشیده؟ از اینجا ما باید به نقد این مرکزها بپردازیم. چه کسی گفته که است این مراکز تاریخ‌نگاری رسمی کنند؟ اصلاً چه کسی گفته که این مراکز تاریخ‌نگاری کنند؟ این‌ها با همان اهدافی که در آن پیام بود، باید مواد و مصالح لازم برای تاریخ‌نگاری مستقل، آزاد و علمی فراهم بیاورند و این مشکلی است که ما در این مراکز با آن مواجه شدیم.

این استاد دانشگاه با اشاره به مفهوم آرشیو ملی و گزینشی شدن دسترسی به اسناد، تأکید کرد: یکی از مفاهیمی که باید در نقد تاریخ معاصرمان به کار بگیریم مفهوم باندزدگی است. اساساً شکل خدمات‌رسانی در مراکز باندزده است. این آفتی است که من بارها خودم با آن دست و پنجه نرم کردم.

وی ادامه داد: تاریخ‌نگاری در ایران وضعیت خوبی ندارد، هم تاریخ‌نگاری درون رشته تاریخ و هم تاریخ‌نگاری

تاریخ یک انقلاب را می‌توان بدون مناقشه نوشت. باید این اصل را بپذیریم؛ اما گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی معمولاً زیر بار این واقعیت نمی‌رود.

وی با تأکید بر انزگاری مصالح و منافع کنشگران زنده و گردانندگان انقلاب بر امر تاریخ‌نگاری رسمی، ادامه داد: کسانی از جریان انقلاب طرد می‌شوند، در حاشیه قرار می‌گیرند، در اپوزیسیون می‌روند و رفتارهای متفاوتی از خودشان بروز می‌دهند؛ اینجا مدام جریان خالص‌تر، یکدست‌تر، محدودتر، منقبض‌تر، متصلب‌تر و شکننده‌تر می‌شود اما چون قدرت را در اختیار دارد، می‌بایست روایتگر پدیده پیچیده انقلاب بشود.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، وفاداری به گفتمان حاکمیت به جای وفاداری به حقیقت، باور کردن به جای نقد کردن، اتکا به منابع مورد اعتماد نه منابع معتبر، زندانی شدن در روش‌های متصلب به جای تکثر روش‌شناختی، تنزل مقام تاریخ‌پژوهی به منازعات سیاسی، عمل کردن در فضای بسته به جای پژوهش در میدان گفتگوی آزاد، فرار و گریز از نهادهای علمی پژوهش و پژوهشگران مستقل و منتقد، نگاه ابزاری به تاریخ به جای آگاهی‌بخشی و تولید

دومین جلسه از سلسله نشست‌های «نقد عملکرد مراکز تاریخ‌نگاری رسمی» با حضور دکتر علیرضا ملایی توانی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دکتر داریوش رحمانیان، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران در مرکز اسناد انقلاب اسلامی برگزار شد.

علیرضا ملایی توانی در ابتدای این نشست با اشاره به ضرورت گشایش افق‌های تازه‌تر در قلمروی مطالعات تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی گفت: سال‌ها پیش کتابی تحت عنوان «گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی» درباره رضا شاه نوشتیم و یک بحث انتقادی درباره گفتمان مسلط بر تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی را مطرح کردم. به نظر من بخشی از آن امروز هم اینجا قابلیت طرح شدن داشته باشد.

وی تعریف خود از تاریخ‌نگاری رسمی را چنین بیان کرد: تاریخ‌نگاری رسمی روایت ارباب قدرت و حکومت درباره تاریخ است؛ به این معنا که یک نوع تاریخ‌نگاری هدایت‌شده را شاهد هستیم با یک پیش‌سیاسی خاص و به صورت حساب‌شده در راه ثبت دیدگاه‌ها، دریافت‌ها و انتظارات حکومت در امر تاریخ‌نویسی.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با برشمردن واقعیت‌های گریزناپذیر تاریخ‌نگاری



ملایی توانی: روایت‌های متضاد و رقیب فرصت استثنایی بزرگی برای تاریخ‌پژوهی در دوران معاصر است



رحمانیان: خدمات‌رسانی در مراکز تاریخی باندزده است / بیشتر از این مراکز باید دانشگاه‌ها و دانشگاهیان را رصد کرد

بیرون نهاد. با همان بحث مطالعات میان‌رشته‌ای اگر جلو برویم کلاً وضعیت علوم انسانی در ایران قابل نقد است. البته نه به این معنا که ما اهالی علوم انسانی خوب و برجسته نداریم یا مورخان خوب و برجسته نداریم؛ اتفاقاً داریم و خیلی هم زحمت کشیدند و دستاوردهای بزرگی داشتند. اما من از آن روی دیگر سکه نگاه می‌کنم، یعنی آن قسمت‌هایی که قابل نقد هستند. وقتی می‌گوییم مطالعات میان‌رشته‌ای درباره یک پدیده‌ای مثل انقلاب داشته باشیم، یعنی اینجا باید آمادگی ایجاد کنیم و بستر و سکویس را ساخته باشیم. رحمانیان با تأکید بر ضرورت تجدیدنظر در برخورد با روایت‌ها گفت: در تاریخ انتقادی اساساً بحث این نیست که یکی راست و یکی دروغ می‌گوید. مسأله این است که آن روایت‌ها چرا و چگونه ساخته می‌شوند و در جهان انسانی غلبه می‌یابند. مردم این خبرها را در شبکه‌های اجتماعی که مسائل تاریخی مطرح می‌کنند، چطور می‌بینند؟ حال شما بنشینید هزار بار بگویید نه ما مسیرمان خوب است، درست است، این‌ها همه منحرف هستند، غلط می‌کنند، اشتباه می‌کنند، وجه قدسی را نمی‌بینند.

این استاد دانشگاه پیشنهاد کرد: برجسته‌ترین آثارتان را بیاورید و چند پژوهشگر هم بیاورید تا مصداقی، موردی، تخصصی و تک به تک به نقد بکشند.

فضای دانشگاه‌های کشور هم باید نقد شود. اینکه فقط بروید این مرکز را نقد کنید، شما را به بیراهه می‌برد. هزار بار بیشتر از این مراکز، باید دانشگاه‌ها و دانشگاهیان را رصد کرد. اساساً رشته تاریخ دچار بحران است و می‌شود گفت غیبت تاریخ و مورخ داریم.

ادبیات هیجانی و مهاجم به جای ادبیات علمی معتدل را از جمله مشکلات ساختاری تاریخ‌نگاری رسمی برشمرد و افزود: یکی از راه حل‌های نهادی استوار این است که این مراکز را بر اساس تجربه پژوهشکده‌ها، دانشکده‌ها و اندیشکده‌های مختلف؛ به یک پژوهشکده مطالعاتی عمیق تبدیل کنیم که درون آن گفتمان‌هایی شکل بگیرد و افراد متعددی پرورش پیدا کنند و حضور داشته باشند.

در این نشست، دکتر داریوش رحمانیان نیز با اشاره به رویکرد خود در تاریخ انتقادی یا تاریخ میان‌رشته‌ای، به بررسی مراکز تاریخ‌نگاری پرداخت و گفت: برخی مراکز، بنیادها، نهادها و سازمان‌ها در امر تاریخ‌نگاری موازی‌کاری می‌کنند که از بعد شرعی هم اسراف می‌شود، یعنی کارهای تکراری انجام می‌دهند.

وی درباره تسری آفت مرکزگرایی به امر تاریخ‌نگاری توضیح داد: بخش اعظم مراکز مادر تهران است. انقلاب مشروطه در تهران اتفاق افتاد؛ در تبریز نبود، در اصفهان نبود، در شیراز نبود، در کرمان نبود و در جاهای دیگر؟ انقلاب اسلامی هم همین مسأله را دارد. مرکز اسناد انقلاب اسلامی در تهران است و فعالیت‌هایی که می‌شود تحت تأثیر همین مکان و محیط جغرافیایی است.

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران با تبیین مفهوم جهان مدرن به عنوان مردمی شدن همه عرصه‌ها افزود: تاریخ‌نگاری ما قهرمان‌گراست و تاریخ را بر اساس کنش و کردار بزرگمردان روایت می‌کند. شما در دنیای قدیم اگر

رسمی تأکید کرد: داریم دچار یک بن‌بست می‌شویم و اگر بن‌بست‌ها را نشکنیم، این آثار مخاطبی پیدا نمی‌کنند و تمامی زحمات و سرمایه این مملکت و نیروی فکر جوانانی که آمدند در این میدان‌ها تلاش کنند به هدر خواهد رفت.

ملایی توانی افزود: ویژگی دوران معاصر این است که در کنار گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی، انبوهی از گفتمان‌ها، روش‌ها و روایت‌های متضاد و رقیب شکل گرفته‌اند و این فرصت استثنایی بزرگی برای امر تاریخ‌پژوهی در دوران معاصر است. بخش عمده‌ای از تاریخ قاجار را بدون آنچه که دستگاه تاریخ‌نگاری رسمی آن دوره نوشته، می‌توانیم بنویسیم؛ زیرا انبوهی از خاطرات، اسناد و مدارک دیگری فراتر از منابع رسمی وجود دارند.

وی گفت: در دوره پهلوی اساساً می‌توانید بدون توجه و رجوع به منابع رسمی، تاریخ بنویسید. پس عملاً همه این زحمات‌ها به هدر رفته، به دلیل اینکه همین هدف‌هایی که گفتیم آنجا دنبال می‌شد.

این استاد دانشگاه، پدیده انقلاب را پیچیده‌ترین پدیده تاریخ بشر دانست و تصریح کرد: خطای بزرگ مراکز تاریخ‌نگاری رسمی این است که این پدیده پیچیده را بسیار ساده‌انگارانه طرح می‌کنند و این خطا خیلی نابخشودنی است، در حالی که رسالت علوم انسانی این است که پیچیدگی قضایا را نشان دهد.

ملایی توانی با اشاره به رهیافت‌های مختلف نیروهای کنشگر در یک انقلاب گفت: انتظار نگارش تاریخ نهایی یک انقلاب، تصور خامی است. هر چند این تصور درباره اغلب رویدادها رایج است، اما ساده‌انگاری است که بتوان گفت

قصه؛ کلید فهم انسان



دکتر مجید سلیمانی ساسانی

دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران

پژوهشی در سال ۲۰۰۶ نشان داد وقتی خوانندگان یک متن در آن با عباراتی درباره ترکیبات قوی بویایی مانند قهوه و عطر روبرو می‌شوند، اعصاب بویایی آن‌ها به گونه‌ای فعال می‌شود که گویی بوی واقعی را تجربه می‌کنند. در سال ۱۹۴۴ فریتز هیدر و ماریان زیمل (روانشناسان دانشگاه اسمیت در ماساچوست)، یک انیمیشن از یک جفت مثلث و یک دایره را که به دور یک مربع در حال حرکت است به افراد نشان دادند و پرسیدند که چه اتفاقی در حال رخ دادن است؛ عمده افراد اصلاً اتفاقات واقعی رخ داده را توصیف نکردند اما در عوض پاسخ‌های آن‌ها نشان داد که دنبال یک روایت در مورد شکل‌ها بودند تا بتوانند داستانی را درباره آنچه مشاهده کردند بیان کنند. در نهایت والتر فیشر، نظریه پرداز روایت به این پیشنهاد رسید که به جای اینکه در طبقه‌بندی‌های علمی انسان را هومو ساینس بدانیم که تقریباً به معنای شخص دانا است، باید گونه انسانی را شخص داستانگویی در نظر بگیریم.

از آسمان شب می‌توان مثال زد. آیا واقعا یک قابلمه غول‌پیکر در آسمان وجود دارد؟ البته که نه! اما من یک جمله کلیدی دارم و آن این است که آدم‌ها هیچ چیزی را درک نمی‌کنند مگر اینکه در قصه‌هایشان باشد؛ روایت یکی از اصلی‌ترین راه‌های معناداری ما انسان‌ها در جهان است. حتی خود انسان‌ها نیز هویت خود را با روایتی که از زندگی‌شان دارند، پیدا می‌کنند. ما

در واقع با تداخل و کثیری از قصه‌ها در عالم مواجه هستیم که کلان روایت‌ها در این تداخل‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. اما پرسش اصلی آن است که آیا ما به قصه‌های ذهن مردمان پرداخته‌ایم؟ برای سؤال‌های بی‌جواب آنها پیرامون قصه‌های تاریخی چه برنامه‌ای داریم؟ یکی از نکاتی که به داستان شکل می‌دهد شخصیت‌ها هستند. تا به حال به این فکر کرده‌ایم که شخصیت داستان‌های نسل جوان ما کیست؟ در داستان زندگی او چه کسانی شخصیت هستند؟ من اعتقادی به شکاف نسلی ندارم. هر نسلی به لحاظ سنی یک اقتضایی دارد. همان شخص در گذر زمان یک آدم دیگری می‌شود. ولی حداقل می‌توانم بگویم که یک شکاف نسلی داستانی وجود دارد. این مورد از شکاف نسلی هم خطرناک‌تر است و می‌تواند شکاف ادراکی ایجاد کند. ما باید به این شخصیت‌سازی‌ها و قصه‌پردازی‌ها فکر کنیم؛ زیرا دشمنان ما برای تخریب انقلاب نیز همین مسیر را در پیش گرفته‌اند. مثلاً سعی می‌کنند از رضاخان یک شخصیت جذاب و خودساخته بسازند. از دیگر روایت‌هایی که سعی دارند برای نسل جوان ما بسازند، یک تصویر روشن و آرمانی از دهه ۵۰ و مقایسه آن با دهه شصت است که به شدت در حال پمپاژ قصه‌ها و روایت‌های مربوط به آن هستند. حتی تصاویر تاریخی را نیز با این چینش منتشر می‌کنند. بنابراین ما نیز باید با فرآیندها و روندهای قصه‌گویی بیابیم قصه‌های مقابل را مخدوش کنیم. اگر او در داستان یک گره‌افکنی ایجاد کرده است، گره‌گشایی را من برای مخاطب خودم انجام بدهم. صداوسیما می‌تواند هنوز فکر می‌کند پخش چند صحنه از شلوغی‌های راهپیمایی کارساز است. در حالی که همه جریان‌های مؤثر دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که آن قصه‌ای که خود فرد در شبکه اجتماعی خودش نقل می‌کند که در مسیر اتفاقی خاص رقم خورد، بسیار تأثیرگذارتر است. ما باید به این سمت برویم که اینگونه روایت‌ها توسعه پیدا کند. ضمناً باید اشاره کنیم که در جنگ روایت‌ها یک از مواردی که مقبولیت ما را به شدت کاهش می‌دهد، سکوت روایی است. ما باید در مورد برخی از قصه‌ها تکلیف خودمان را مشخص کنیم. مثلاً باید مشخص شود موضع ما درباره داستان کوروش چیست. یا اقدامات مثبت پهلوی را چطور می‌خواهیم روایت کنیم. این گره‌ها هر سال و هر دوره برای ما تکرار می‌شوند اما برای آن‌ها فکری نمی‌کنیم.

ویژه‌نامه تاریخ انقلاب

دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲
سال نود و هشتم
شماره ۲۸۵۸۴

اطلاعات
۵

مسئله تاریخ‌نگاری رسمی و جایگاه مراکز تاریخی-اسنادی



دکتر محمدحسین رفیعی

بنابر این تاریخ‌نگاری رسمی، دانش و حقیقت را درون گفتمان حاکم سیاسی حکومت جستجو می‌کند. بدون شک یکی از نتایج و دستاوردهای تاریخ‌نگاری رسمی، توجیه مشروعیت و تقویت مبانی حاکمیت در کشورهاست و متون تاریخی به نوعی تبیین‌کننده مواضع، ارزش‌ها و اصول راهبردی حاکم در هر نظام سیاسی است.

بحث پیرامون جنبه‌های مثبت و منفی و زمینه‌های بروز و ظهور روایت رسمی تاریخ هر ملت فرصتی بیش از این مجال را می‌طلبد، ولی با علم به مسئولیت مراکز تاریخی-اسنادی در ارائه روایت رسمی از تاریخ ایران معاصر باید به برخی مقتضیات غیرقابل اجتناب تولید متن رسمی تاریخ اشاره کرد:

- (۱) گزینش یک روایت از میان روایات متعدد یک رویداد تاریخی
- (۲) گفتمان‌سازی بر پایه حقیقت‌انگاری یک روایت در مقابل روایت‌های رقیب
- (۳) بازتولید و روایت تاریخ گذشته معطوف به نیازهای روز جامعه. بسیاری از انتقادات بعضاً به جا که به تولیدات پرتعداد این مراکز وارد شده، بدون توجه به این مقتضیات و الزامات ساختاری است.

اما علی‌رغم تمامی این محدودیت‌ها و موانع، نباید خروجی علمی مراکز مزبور روایتی تک‌بعدی، تک‌صدایی و یکسویه از گذشته‌ای حساس و پویا در وضع کنونی جامعه ما داشته باشد. راهکار و راه چاره این مشکل، گشودن درهای نقد و دعوت از روایت‌های رقیب برای شنیده‌شدن در کنار روایت رسمی تاریخ از گذشته است. بدون شک این امر مهم، در پیوند میان فضای

آکادمیک و دانشگاهی و مراکز تاریخ‌نگاری رسمی محقق خواهد شد. این مراکز می‌توانند با دعوت از استادان صاحب‌نظر به صورت مستمر برگزارکننده جلسات نقد و بررسی آثارشان باشند تا زمینه شنیده‌شدن روایت‌های رقیب در کنار روایت‌های رسمی را فراهم آورند. علاوه بر این، تعریف طرح‌ها و تحقیقات مشترک پژوهشی با مراکز دانشگاهی به تقویت مبانی نظری و پژوهشی آثار ارزشمند این مراکز کمک شایانی خواهد کرد و در نهایت این همکاری‌ها می‌تواند به اشتغال دانشجویان علاقه‌مند تحصیلات تکمیلی و تربیت آن‌ها به عنوان نیروهای مؤثر و مفید در آینده منجر شود.

از سوی دیگر در پی این اعلام نیاز مراکز اسنادی-تاریخی کشور، اهالی دانشگاه و پژوهشگران فعال در عرصه‌های آکادمیک نیز پژوهش‌ها و تحقیقات خود را بیش از پیش معطوف به نیازهای این مراکز خواهند کرد. این مهم خود به خود جریان تولید علم و دانش را در مسیر صحیح و درستی قرار خواهد داد که دانش تاریخی به خدمت نیازهای روز جامعه و بازتولید گفتمان‌های هویت‌ساز به عرصه جامعه منتقل خواهد شد. در این راستا زمینه‌های مهم و تاکنون مغفول مانده‌ای همچون توجه ویژه به تاریخ شفاهی، تاریخ طبقات اجتماعی مردم اعم از صنوف و جمعیت‌های متعدد، فرقی مذهبی و اقلیت‌های دینی و بسیاری از زمینه‌های کمتر توجه‌شده نیز در دستور کار قرار خواهد گرفت. در مجموع باید تلاش کرد تا ارتباط اهالی دانشگاه و مراکز تاریخ‌نگاری رسمی در کشور تقویت شود تا ضمن توسعه فضای نقد و چندصدایی در تولید گفتمان تاریخی، به تربیت دانش‌پژوهان و پژوهشگران مؤثر در این زمینه کمک کند.



جمعی از جوانان تاریخ نگار: مراکز اسنادی، دسترسی به اسناد را تسهیل کنند نیاز به فضای باز در تاریخ نگاری داریم

رسیده که در کنار تاریخ شفاهی و نقلی، به تاریخ تحلیلی بپردازیم و ببینیم چه تجربه‌های خوب و بدی را در تاریخ انقلاب داشته‌ایم. باید بیشتر از قبل به تجربه‌نگاری و تجربه‌پژوهی بپردازیم. جا دارد که یک روش‌شناسی در این حیطه داشته باشیم. همچنین خوب است که در کنار پژوهش‌های تاریخی مراکزی مثل مرکز اسناد، به سمت تعامل بیشتر با رسانه‌ها و کالاهای گفتگومانی‌تر برویم تا تاریخ انقلاب را گفتگومانی و همگانی کنیم. در تاریخ‌پژوهی باید مردم و روایت‌های آن در صحنه بیشتر دیده شود.

* حساسیتی وجود دارد که اسناد مرکز دست ناهلان نیفتد. درخواست داریم که اسناد را با آزادی بیشتری در اختیار پژوهشگران و دانشجویان قرار دهید، زیرا این آزاد نبودن اسناد باعث یک هژمونی منفی میان اذهان مردم و رسانه‌ها می‌شود. مرکز اسناد باید در زمینه سمعی و بصری و ساخت مستند ورود کند. تاریخ معاصر را اگر به صورت بصری نشان دهیم، هم مخاطب بیشتری جذب می‌کنیم و هم از سفیدشویی حکومت قبل جلوگیری می‌شود.

* در مقایسه با مراکز سندی دیگر، قیمت‌های اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی بسیار بالا است و این برای دانشجویان سخت است.

* مرکز اسناد انقلاب دچار بحران مخاطب است. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مرکزی رسمی و ایدئولوژیک است و از پشتیبانی مادی و معنوی حاکمیتی برخوردار است. لذا این آسیب وجود دارد که متهم به پشتیبانی و مشروعیت‌بخشی به یک ایدئولوژی خاص شود. مثلاً در سطح نامگذاری از روحانیون و همچنین شخصیت‌هایی مثل رضاشاه پهلوی، عناوینی در این مرکز به کار می‌رود که دچار یک حال‌نگری است. به عنوان مثال درباره روحانیون قدیم؛ از جمله آخوند خراسانی و شیخ فضل‌الله نوری که از آنها با نام حجت‌الاسلام یاد می‌شد، اکنون اصرار بر نام آیت‌الله است یا رضاشاه که در هر دوره با نام خاصی از او یاد می‌شود در اینجا به او صرفاً رضاخان می‌گویند.

* در مسأله روایت، مرکز اسناد باید کاملاً به تدوین راستین انقلاب بپردازد و به تاریخ معاصر هم ورود کند. در مورد شخصیت‌های تاریخی معمولاً افراد شکست‌خورده حکومت‌های قبل، افراد فاسد و وابسته معرفی می‌شوند یا همه افراد مبارز، هیچ نقطه سیاهی ندارند. اگر بناست مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تاریخ معاصر ایران را روایت کند باید هم مجاهدت‌ها را بگوید و هم خیانت‌ها را. شما با ارائه این روایت، صرفاً با یک قشر خاص روبه‌رو هستید و دانشجویان تاریخ سعی می‌کنند آثار مرکز را ببینند و فقط اسناد را جستجو کنند.

* مشکلاتی که درباره انتشارات مرکز وجود داشت الان هم وجود دارد؛ مثل پخش کتاب‌های مرکز که بسیار بد است و در فروشگاه‌ها دیده نمی‌شوند. کتاب‌ها بعضاً به دست مخاطب نمی‌رسند و قیمت‌ها به صرفه نیست. هنوز آرایش جلدی و متن کتاب‌ها در دهه هفتاد باقی مانده است. ظاهر کار خیلی مهم است و جایی که محتوای خوب ارائه می‌دهد باید سر و شکل خوب نیز داشته باشد تا مخاطب رغبت کند آن را بخرد. مجموعه کتاب‌های دانستی‌ها

مرکز اسناد انقلاب اسلامی در تاریخ چهارشنبه ۲۰ دی ماه ۱۴۰۲ با برگزاری نشست «هم‌اندیشی با جوانان، چالش‌های نسل جدید روایتگران تاریخ انقلاب» میزبان جمعی از جوانان پژوهشگر در حوزه تاریخ بود.

در این دیدار علاوه بر حجت‌الاسلام مصطفی پورمحمدی رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی، حجت‌الاسلام حمید روحانی عضو هیأت امنای مرکز، دکتر حمیدرضا ملک‌محمدی معاون پژوهش و حجت‌الاسلام پیام طیبی مدیر امور ارتباطات و دستیار فرهنگی رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی نیز حضور داشتند.

همچنین جواد موقویی، کورش علیانی، شادی معرفتی، محمدحسین رفیعی، حمید نجاری، امین اسدپور، محسن سراج، امین آریان راد، محمد رحمانی، میثم قهرمان، مصطفی جوان، میثم رشیدی مهرآبادی، مهشید رضایی، انسیه باصری، صونا قاجار، زهره باقریان، شهناز کریم‌زاده، فرشته کوشکی، زهرا روح‌الهی، سلمان فیاض، محمدجعفر بیگلر، روح‌الله شریفی و سید محمد مهدی دزفولی به عنوان مدعو در این نشست، حاضر بودند.

پورمحمدی ضمن خیرمقدم به جوانان تاریخ‌پژوه، خواستار تعامل هرچه بیشتر آنان با مرکز اسناد انقلاب اسلامی شد و خطاب به حاضران گفت: در این مرکز به روی شما عزیزان باز است؛ برای همین از شما جوانان فعال حوزه تاریخ انقلاب و روایتگری می‌خواهم که مرکز اسناد انقلاب اسلامی را پاتوق خود کنید.

رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی همچنین بعد از شنیدن موارد مطرح‌شده از سوی مدعوین، پیشنهاد کرد که آنان موارد تکمیلی اظهارات خود را به صورت مجزا برای مرکز بفرستند.

در ادامه، چکیده اظهارات مطرح‌شده از سوی برخی مهمانان را می‌خوانید:

* هدف ما شناسایی، آگاهی و دریافت روشن‌تری از نویسندگان و محققان جوان است. ما به تاریخ‌نگاری با رویکردهای نو و با دسترسی به بانک‌های بزرگ اطلاعاتی نیاز داریم. باید با روش‌های جدید و فناوری‌های نو، به فهم و تبیین بهتر و جذاب‌تر تاریخ کمک شود.

* توجه به حکمت و فلسفه تاریخ باید از پایگاه حکمی و معرفتی انقلاب اسلامی باشد. شهید مطهری و شهید صدر در این زمینه کارهایی انجام دادند ولی نیاز است که در امتداد آن، عقلانیت جریان‌های تاریخ را نیز بسط دهیم. ما امروز به خاطر بسط تمدنی مدرنیته، سوژه غرب مدرن هستیم و حتی خودمان را هم بخواهیم قضاوت کنیم، متأثر از غرب هستیم. محقق تاریخ انقلاب باید تلاش کند که حوادث انقلاب را در زمان خودش بررسی کند و اگر این صورت‌بندی در تاریخ انجام نشود؛ نمی‌توانیم از منظر درست، تاریخ را بنگاریم. این اروپائیکاری باید شکسته شود. در تشریح تاریخ، هم سنت‌های الهی و هم سنت‌های اراده‌ای انسان باید در نظر گرفته شوند.

* مرکز اسناد انقلاب، گنج و بانک اطلاعاتی خوبی را گردآوری کرده؛ اما الان وقتش

ویژه‌نامه تاریخ انقلاب

دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲
سال نود و هشتم
شماره ۲۸۵۸۴
اطلاعات
۶





ویژه‌نامه تاریخ انقلاب

دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲
سال نود و هشتم
شماره ۲۸۵۸۴

اطلاعات
۷

هم که اصلا همکاری نمی‌کند. ام‌آی‌عزیر ضربه نیست ولی ایران از صدجایر ضربه است و ما نمی‌توانیم در این جنگ ساکت بمانیم. پس ما باید حداقل یک مدل ایرانی برای ارائه اسناد داشته باشیم تا کار جلو برود. مدت‌هاست دنبال متن دادگاه و اعترافات بازجویان ساواک یعنی آرش و تهرانی هستیم، ولی به هیچ‌وجه پیدا نمی‌کنیم. این نشان می‌دهد در بدیهی‌ترین مسائل تکلیف مراکز پژوهشی ما مشخص نیست و حداقل مرکز اسناد تکلیف را روشن کند. فرمان جهاد تبیین رهبر انقلاب خطاب به شماسه است ما؛ زیرا ما که داریم کارمان را می‌کنیم، شما باید به ما اسلحه بدهید تا ما بچنگیم. روایت تاریخ کار نهادهای امنیتی نیست. ما تاریخ دهه ۶۰ را در افکار عمومی باختیم. انباشت مسائل و سوالات، مردم را نسبت به انقلاب بدبین کرده است. اگر اعدام‌های ۶۷ کار درستی بوده، چرا تبیین نمی‌شود و به سوالات و ابهامات پاسخ نمی‌دهید؟ درباره قطب‌زاده، خلخال و شریعتمداری هیچ روایتی وجود ندارد و ارائه نشده است. ۵۳ میلیون سند در ۳ و نیم میلیون پرونده وجود دارد ولی هنوز هیچ‌کس پاسخ نمی‌دهد. با این رویه اگر پیش برویم، دهه ۷۰ را هم می‌بازیم. تاریخ شفاهی‌ای که داریم سرشار از غلط و تحریف است و هیچ راهی برای راستی‌آزمایی آن نیست و من برای تاریخ‌نگاری مجبورم از خودم اجتناب کنم! دهه هفتاد پر از سوژه بکر است که می‌شود کار کرد ولی به شرط اینکه تکلیفمان را مشخص کنیم و هماهنگی بین مراکز تاریخی ایجاد شود.

* پیشنهاد می‌کنم مرکز، فضاهای تازه‌ای برای خودش ببیند. الان تنها مسأله‌ای که کودکان پهلوی خیلی خوب آن را می‌دانند و درباره‌اش حرف می‌زنند؛ هلوکاست است. آنها در مدارس فصلی و آموزش کوتاه‌مدت، این آموزش‌ها را می‌بینند نه در آموزش رسمی. بنابراین مرکز تاریخ اسناد انقلاب اسلامی می‌تواند با همکاری مراکزی مثل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مدارس فصلی را راه‌اندازی کند تا تاریخ انقلاب و معاصر را به نسل جدید انتقال دهد. منافقان هنوز هم فعالند و سعی دارند خود را تبلیغ کنند؛ برای همین ما باید اقدامات ضد مردمی و جنایت‌های آن‌ها را تبیین کنیم.

* پیشنهاد می‌کنم مرکز اسناد، معاونت بین‌الملل داشته باشد تا اخبار و مطالبش در فضای جهانی منعکس شود. ما می‌توانیم در فضاهای تصویری مثل یوتیوب برنامه‌سازی کنیم و بخش زبان‌های خارجی سایت را به‌روزرسانی کنیم.

برای جوانان، کار خیلی خوبی بود که حتی در برنامه‌های رسانه‌ای و مطبوعات مورد استفاده قرار می‌گرفت و امیدوارم ادامه پیدا کند. الان نام مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جایی در آذهنان عمومی ندارد که باید جبران شود.

* مشکلاتی که در بحث خرید اسناد مرکز و قیمت‌های بالای آن هست باعث می‌شود که پژوهشگر زده شود. رهبر انقلاب درباره اهمیت دادن به علوم انسانی و پژوهش در آنها تأکید کردند ولی اینجا کاملاً عکس آن عمل می‌شود. ما اگر از اینها استفاده نکنیم پس چه کسی روی آنها کار کند؟ این مرکز، سنگ‌اندازی در رشته‌های علوم انسانی را بیشتر کرده است. مسئولان اینجا برخی اسناد را که برای سال ۴۵ سال قبل است ولی مهر دادگاه انقلاب خورده، به من نمی‌دهند و می‌گویند اجاره انتشار ندارند. اگر من پژوهشگر درباره این اسناد کار نکنم پس چه کسی کار کند؟

* از سیاست‌های درهای باز مرکز تشکر می‌کنم. سلسله جلسات با رسانه‌ها، استادان تاریخ و پژوهشگران نوید یک خبر خوب را به محققان تاریخ پهلوی می‌دهد. باید از تاریخ دوره پهلوی و اوایل انقلاب یک بازنویسی داشته باشیم و سوگیری را کنار بگذاریم. به کسانی که شاید ظاهری متفاوت دارند و می‌توانند از تمامیت این نظام و تاریخ انقلاب و ایران حمایت کنند میدان داده شود. شما می‌توانید روایت‌های مخالف را هم بنویسید و به مرجع تاریخ انقلاب تبدیل شوید. در مسأله پرویز ثابتی و جزایر سه‌گانه، سایت مرکز به خوبی ظاهر شد و تبدیل به یک مرجع رسانه‌ای شد. کسانی که اینجا هستند می‌توانند نویسنده و تحلیلگر یک تاریخ متفاوت، نو و جدیدتری از انقلاب شوند. باید روایت‌های تازه‌تری بنویسیم و از سرزمین کلمه به سرزمین تصویر کوچ کنیم، زیرا الان ویدئوهایی از شبکه‌های معاند دست مردم می‌چرخد که ما می‌توانیم با آنها مقابله کنیم.

* راهبرداران اسناد در جمهوری اسلامی اصلاً مشخص نیست. ام‌آی‌عزیر اصلاً سندی ارائه نمی‌کند و تکلیفش مشخص است. سیا اسنادی را با طبقه‌بندی منتشر می‌کند و رؤسای آن مدام مصاحبه می‌کنند. موساد اسناد ارائه نمی‌کند ولی توسط نویسنده و کارشناسانی که دارد، با رسانه‌ها مرتبط است. ولی جمهوری اسلامی مشخص نیست چه می‌خواهد بکند. هر کدام از وزرای اطلاعات و مسئولان هر دوره، یک رویکرد خاص دارند. مرکز اسناد وزارت خارجه





در مرکز اسناد انقلاب اسلامی مطرح شد عقلانیت تاریخ، مبتنی بر سند است

هست، واقعا وقتش بود و او تشخیص داد. انقلاب ما ویژه است، اما انقلاب اکتبر هم ویژه است، انقلاب فرانسه هم ویژه است. اصلا انقلاب فرانسه و انقلاب آمریکا و همه انقلاب‌های تاریخ ویژه هستند. شاید ما این قدسی نگری را انجام بدهیم، اما جامعه به مطالعه انقلاب قدسی نگاه نمی‌کند؛ علمی نگاه می‌کند. ما باید بتوانیم نگاه علمی و استفاده از سند را در تاریخ بیشتر بکنیم. البته برخی اسنادی که امروزه در اختیار تاریخ‌نگاران ما هست، متأسفانه هنوز شبهه واقعی بودن دارند.

حسن زاده ادامه داد: واقعا ما در دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش بحران داریم. ما اوج درخشش انقلاب را در دوره نهضت روحانیون می‌بینیم اما موقعی که دانش آموز یا دانشجوی می‌آید تاریخ سال‌های چهل و دو تا پنجاه و شش را می‌خواند می‌بیند فعالیت گروه‌های دیگر فربه‌تر و عمیق‌تر هستند اما تاریخ‌نویسی رسمی در این بازه زمانی بعضی گروه‌هایی که در همان ابتدای حرکت شناسایی شدند و نتیجه محسوس نداشتند را مطرح می‌کند. یا در مورد امام خاطرات نشان می‌دهد که امام هم در نتیجه مشورت با یاران تصمیم می‌گرفت و این طوری نبود که امام خمینی شخصیتی باشد که بر همه چیز اشراف داشته باشد؛ یعنی مرحوم مطهری، مرحوم بهشتی، مرحوم هاشمی رفسنجانی و مقام معظم رهبری به عنوان مشورت‌دهنده بر ایشان اثر داشتند.

وی افزود: یک ضعف عمومی ما در بحث‌های مختلف علوم سیاسی از جمله تاریخ سیاسی، این است که افراد یک‌بعدی می‌خواهند پیرامون یک مسأله چند بعدی حرف بزنند. یک اقتصاددان، جامعه‌شناس، سیاستمدار و روحانی تاریخ می‌نویسد، در نتیجه هر کدام اینها یک زاویه را می‌بینند ولی زوایای دیگر را نمی‌بینند.

منصوری تاریخ‌نگاران معاصر را چنین دسته‌بندی کرد: ما در حال حاضر ۴ مجموعه نویسنده در حوزه انقلاب داریم. یکی محققان خارجی از جمله استادان دانشگاه و نویسندگان. یکی ضدانقلاب‌های خارج از کشور که با دسته اول یکسان نیستند. دسته بعدی، سکولارها و معارضان و زیان‌کرده‌های انقلاب در داخل هستند و دسته چهارم، شامل نیروی‌های انقلاب و خط امام و اسلام‌گراها و متحدان می‌شود.

همچنین دکتر اسماعیل حسن زاده در این نشست بیان کرد: یکی از مواردی که همیشه ذهن من را به عنوان یک پژوهشگر مشغول می‌کند این است که چرا مورخان برای بعضی از دوره‌های تاریخی، تاریخ همه‌جانبه‌نگری تولید نکردند؟ ما نهادهای رسمی تاریخ‌نگاری داریم اما تاریخ‌نگاران و مورخان قدرتمندی که دیدگاهشان بتواند یک همه‌جانبه‌گری را در عرصه تاریخ‌نگاری نشان بدهد نداریم. تاریخ‌نگاری‌های ما ساندویچی و یکبار مصرف شده و این بزرگ‌ترین آفتی است که هم بر بیت‌المال وارد می‌شود و

نشست «رویکردهای تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی» در مرکز اسناد انقلاب اسلامی برگزار شد. در این نشست برخی از استادان برجسته تاریخ‌نگاری، دیدگاه‌های خود را پیرامون رویکردهای متفاوت تاریخ‌نگاری، بیان و نقد کردند.

در ابتدای این برنامه، دکتر حمید کرمی پور با تأکید بر لزوم دوری از تنگ‌نظری در امر تاریخ‌نگاری، اظهار کرد: تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی در ذیل تاریخ اکنون و تاریخ جاری قرار می‌گیرد و در واقع به این معناست که این تاریخ و رویدادهای آن، هنوز پایان نیافته و ادامه دارد. بنابراین نظام سیاسی حاکم در هر کشوری حساسیت ویژه‌ای نسبت به این تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری دارد.

این استاد دانشگاه تهران با اشاره به سابقه ۳۰ ساله خودش در تدریس تاریخ به نسل‌های متفاوت، گفت: انقلاب اسلامی به کارگاه آموزشی رشته جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی و علوم انسانی در همه دنیا تبدیل شده بود. یعنی همه می‌خواستند ببینند رفتار جمعی چطوری شکل می‌گیرد؟! بهترین نمونه‌اش هم انقلاب ایران بود. ما در دنیا جایی نداشتیم که همه به این شکل منسجم شوند؛ زیرا در جهان سوم معمولا انقلاب‌ها پایگاه روستایی داشتند، اما در ایران پایگاه شهری داشت. در کشورهای دیگر، معمولا با جنگ مسلحانه و گروه‌های چریکی نظام سقوط می‌کرد ولی در ایران با اعتصابات و تظاهرات بود. انقلاب پدیده خاصی است

ویژه‌نامه تاریخ انقلاب

دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲
سال نود و هشتم
شماره ۲۸۵۸۴
اطلاعات
۸



دکتر حسن زاده



دکتر کرمی پور

نمونه دیگر این که در سال پنجاه و شش می‌گوییم اولین حرکت مثلا قیام قم بود؛ بله! اما قبلیش از شب‌های شعر گوته با شرکت حدود چهار هزار نفر در تهران یا فلان رویدادهایی هم صحبت کنیم و این‌ها را کنار هم قرار بدهیم. بنابراین ما می‌توانیم امام خمینی را به عنوان یک شخصیت بسیار باهوش یا باهوش‌تر از دیگر کنشگران سیاسی آن زمان در نظر بگیریم، چون واقعا باهوش بود و درباره مصدق اصلا نظر نداد و در مورد شریعتی موضعش خیلی هوشمندانه بود که نه تکفیرش کرد نه تأییدش کرد و فقط به ابراهیم یزدی پیام داد؛ چون اگر تأیید می‌کرد علمای سنتی با او مخالف می‌شدند و اگر رد می‌کرد انقلابیون برایش مشکل‌ساز می‌شدند. به عبارت دیگر امام خمینی یعنی یک کنشگر زمینی بود. آقای صادق طباطبایی می‌گفت: امام در خانه‌اش کتاب رمان آهو خانم دارد. اصلا چرا امام خمینی موفق شد؟ چون زمینی‌تر بود، رویدادها را خوب می‌دید و این جهان را تحلیل می‌کرد. امام خمینی به طور کامل با مراجع دیگر فرق داشت چون کاملا زمینی فکر می‌کرد، این جهانی بود، هوشمند بود و مشاوره‌های زیادی داشت. اگر نگاه عاشقانه و فرازمینی به امام در تاریخ‌نگاری ما ورود پیدا کند، بعد اجتماعی‌اش کمتر می‌شود.

در پایان این جلسه، برخی دیگر از حضار دغدغه‌های خود پیرامون تاریخ‌نگاری را مطرح کردند که مهم‌ترین آنها کاهش مقبولیت روایات ما از تاریخ میان نسل جوان، چالش باورپذیری روایت رسمی و عدم توجه به نقش روشنفکران مذهبی در تاریخ‌نگاری بود.

هم بر کل انقلاب. وی گفت: با هر فرض قدسی بودن یا نبودن انقلاب بخواهیم تاریخ را ثبت کنیم مهم‌ترین مسأله آن است که کتاب‌های ما بتوانند پاسخگوی پرسش‌های امروز باشند. سؤال من این است که آیا امروز کتاب‌های ما خریدار دارند؟ به این خاطر این وضع، تفکر مهم است که آیا می‌خواهیم رویدادهای تاریخی واقعی را بر اساس عقلانیت تاریخ ببینیم یا بر اساس عقلانیت‌های دیگر؟ عقلانیت تاریخ مبتنی بر سند است.

دانشجوی تاریخ می‌پذیرد که هیچ مورخی بی‌طرف نیست. ساخت ذهنی ما قطعا در معرفت تاریخی ما تأثیر دارد اما مسأله اصلی مهارت زیرساخت‌های ذهنی و جهت‌دادن آن‌ها در تاریخ‌نگاری است. به نظر من تاریخ‌نگاری‌های رسمی ما اسیر این ساختار ذهنی شده است. در نهضت ملی شدن صنعت نفت در کتاب‌های ما مصدق مطرح نیست. این همان سیطره ایدئولوژی است. این طبیعی است که یک نفر مارکسیستی ببیند و یک نفر دیگر مذهبی بنویسد، اما تاریخ‌نگار تا چه حد می‌تواند اینها را مهار کند؟ این مسأله مهمی است که ما باید به آن توجه کنیم. متأسفانه خیلی از داده‌های ما گزینشی شده است.

این استاد دانشگاه الزهراء تصریح کرد: اجازه بدهید با بخشی از صحبت‌های دکتر منصوری موافقت نکنم. امام خمینی شخصیتی بود مثل همه شخصیت‌ها و رهبران سیاسی و هیچ تفاوت نداشت؛ جز این که از رویدادها تحلیل سیاسی دقیق داشت و آنجایی که می‌گفت الان وقتش

و انقلاب اسلامی خاص‌تر بود. حتی رهبری مذهبی‌اش در آن ایام ضد دین باعث شده بود این پدیده متفاوت‌تر جلوه نماید.

وی افزود: اما سؤال مهم آن است که قرائت رسمی جمهوری اسلامی از تاریخ معاصر ایران چیست؟ البته در طول این سال‌ها خوشبختانه تلقی‌ها متفاوت شده است. برای مثال نگاه تاریخ‌نگاران رسمی به تاریخ، زمینی‌تر شده و به اصناف خیلی اهمیت می‌دهند.

کرمی پور با تأکید بر ریشه‌های الهی انقلاب ایران، گفت: تاریخ‌نگاری که می‌خواهد از فرض الهی بودن انقلاب دفاع کند باید آنچنان دانشی داشته باشد که جوابگوی فرضیه‌های دیگران باشد. در این صورت است که مخاطب نظریات او را می‌پذیرد. اگر بتوانیم با دانش وسیع پاسخگوی نسل جوان باشیم، آن وقت قداستش را برای نسل‌های گوناگون حفظ می‌کنیم.

این استاد دانشگاه ادامه داد: تاریخ‌نگاری باید مستند باشد. من یادم هست مقام معظم رهبری (حفظه الله) می‌گفت که آقای میلانی آن کتاب هویدا را خیلی خوب نوشته است، چون بر مبنای تاریخ شفاهی و اسناد است.

در این جلسه، دکتر جواد منصوری مشاور علمی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، با تأکید بر متمایز بودن انقلاب ایران، بیان کرد: به نظر من قابل اثبات است که انقلاب اسلامی با انقلاب‌های دیگر دنیا نه تنها تفاوت دارد بلکه قابل مقایسه نیست. فقط در یک بعد، رهبران انقلاب‌ها را با رهبر انقلاب اسلامی می‌توان مقایسه کرد؟